

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال پنجم، شماره پیاپی ۱۳، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۷

صص ۶۹-۸۸

تحلیل اجتماعی عوامل مؤثر بر میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن زنان و دختران (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه مازندران)

محمد اسماعیل ریاحی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، ایران*

طاہره لطفی خاچکی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، ایران

چکیده

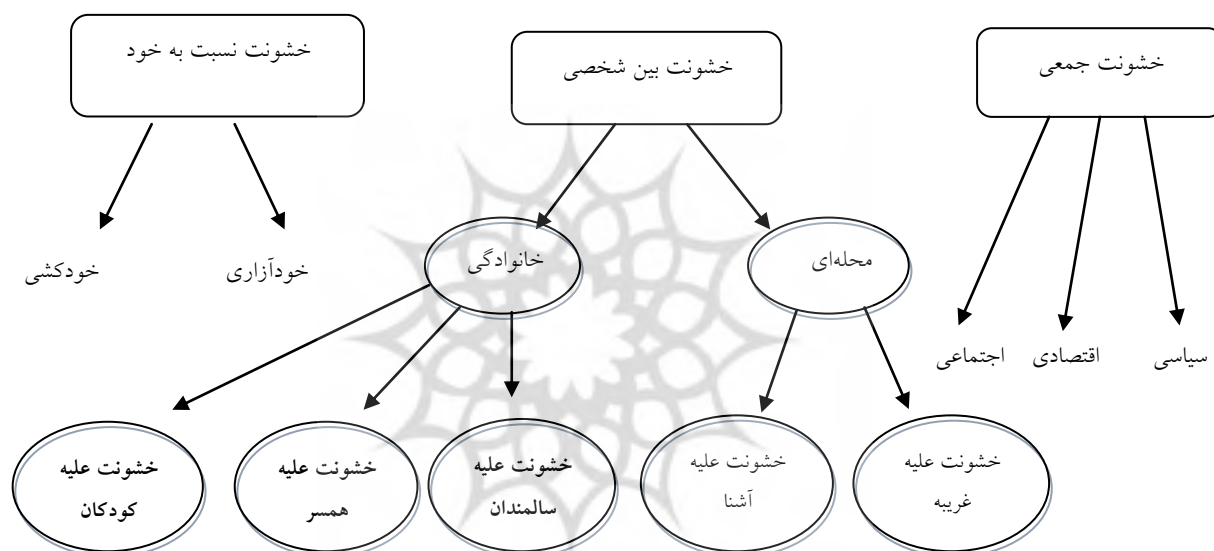
مزاحمت‌های خیابانی به عنوان آزارهایی مبتنی بر جنسیت، از مشکلات اساسی زنان برای حضور در فضاهای عمومی است. هدف از انجام پژوهش حاضر، تحلیل اجتماعی عوامل مؤثر بر میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن زنان و دختران، ضمن بررسی میزان و انواع مزاحمت‌های خیابانی است. بدین منظور از میان تمامی دانشجویان دختر دانشگاه مازندران شاغل به تحصیل در پردیس این دانشگاه، نمونه‌ای با حجم ۳۶۲ نفر با استفاده از فرمول کوکران به دست آمد. نمونه‌گیری در این پژوهش، به شیوه تصادفی طبقه‌بندی شده متناسب انجام گرفته است و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه است. چارچوب به کار رفته در این پژوهش نظریه‌های فمینیستی، جامعه‌پذیری جنسیتی و یادگیری اجتماعی است. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که تنها ۲٫۶ درصد پاسخگویان، در یک سال گذشته، هیچ وقت مورد مزاحمت قرار نگرفته‌اند؛ در مجموع ۷۰٫۶ درصد پاسخگویان از روزی چندین بار تا ماهی یک بار مورد این مزاحمت‌ها قرار گرفته‌اند. نتایج تحلیلی این پژوهش نیز نشان می‌دهد که پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی بر میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن تأثیر منفی دارد، اما پذیرش ارزش‌های مردسالاری و یادگیری اجتماعی، هیچ یک بر میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن مؤثر نیستند. کلیدواژه‌ها: زنان، مزاحمت خیابانی، مزاحمت غریبه‌ها

مقدمه و بیان مسأله

هر چند با ورود مدرنیسم زنان از آزادی عمل بیشتری برای حضور در فضاهای عمومی برخوردار شدند، ولی هنوز مسائل اساسی فرهنگی-اجتماعی برای حضور زنان در فضاهای عمومی حل نشده است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). مزاحمت‌های خیابانی نسبت به زنان، یکی از این مسائل است که در کشورهای مختلف جهان، با شدت و ضعف متفاوت، وجود دارد. مزاحمت جنسی و مزاحمت خیابانی بسیار شایع هستند و تجربه مشترکی برای تمام زنان هستند. اغلب در

مورد این مزاحمت‌ها صحبت نمی‌شود و به عنوان یک آسیب، جدی گرفته نمی‌شوند (Fileborn, 2013) و تنها در چند دهه گذشته، مسأله مزاحمت‌های خیابانی، از یک مشکل خصوصی پنهان، زشت، در اکثر موارد کشف نشدنی، به صورت یک مسأله اجتماعی و عمومی، تبدیل شده است (Sever, 1999:470).

در نمودار زیر که توسط سازمان جهانی بهداشت ارائه شده، انواع گوناگون خشونت مشخص شده است:



نمودار ۱- نوع‌شناسی خشونت (Ethine & et al., 2002:7)

خیابانی جزء خشونت‌های محله‌ای علیه افراد غریبه است. جامعه‌شناسی به نام کارول بروک گاردنر^۱ (1980) اولین بررسی‌های دانشگاهی در مورد مزاحمت‌های خیابانی را انجام داد. وی مزاحمت خیابانی را ناشی از این تفسیر مردان، که زنان به خصوص زنان جوان، هرگاه که همراهی نداشته‌اند و تنها هستند، زیر فرمان آنانند، ارزیابی کرد؛ و آن را به عنوان یک نشان‌گذاری و توجه خیابانی به وسیله مردان در مناطق شهری، تعریف کرد (Kissling, 1991:456-457).

شبهات و هم‌پوشانی بسیاری میان مزاحمت‌های جنسی و

همان‌طور که در نمودار آمده است، نوع‌شناسی ارائه شده، خشونت را به سه دسته تقسیم می‌کند. یکی از انواع خشونت‌ها، خشونت بین شخصی است. این نوع خشونت میان افراد در یک رابطه رو در رو رخ می‌دهد. این نوع خشونت به دو زیر شاخه تقسیم می‌شود: خشونت خانوادگی و خشونت محله‌ای. خشونت خانوادگی تا حد زیادی در محیط خانواده و بین اعضای خانواده صورت می‌گیرد، اما خشونت محله‌ای نوع دیگری از خشونت بین فردی است که در محیط خارج از خانه و در بین سایر افراد صورت می‌گیرد مانند خشونت بین جوانان، تجاوز به عنف، خشونت در مدارس و... (Ethine & et al., 2002). بنابراین مزاحمت‌های

¹ Carol Brook Gardner

مزاحمت را بیان کردند. در ایتالیا، ۲۴٫۴٪ از زنان بین سنین ۱۴ و ۵۹ سال، حداقل نوعی از مزاحمت جنسی در سال گذشته را گزارش کردند (Parish & et al., 2006:421). یک مطالعه ژاپنی نشان می‌دهد که نزدیک دو سوم زنان در سنین ۲۰ و ۳۰ سالگی شان در سواری در قطارها و متروهای توکیو، مورد لمس بدنی قرار گرفتند؛ این زنان احساس تحقیر شدن، خوار شدن و ترس را به علت مالیدن دست به بدنشان، گزارش کردند (Farichild & Rudman, 2008:339). همچنین بیش از ۹۰ درصد دختران بنگلادشی که در گروه سنی ۱۸-۱۰ سال قرار داشتند، بیان کردند که مورد مزاحمت و آزار قرار گرفته‌اند (Nahar & et al., 2013:79). حتی در فیلم‌های هندی زبان، افراد تبه‌کار یا دیگر همراهانش، در آغاز یک رابطه عاشقانه، با حرکات سبک و آزار جنسی اغلب به عنوان افرادی بامزه و رمانتیک تلقی می‌شوند (Nahar & et al., 2013:78). در ایران نیز، شیوع فراوان این مزاحمت‌ها، در شهرهای مختلف گزارش شده است: ایمان و همکاران (۱۳۹۰)، حیدری چروده (۱۳۸۹)، لهسایی‌زاده و یوسفی‌نژاد (2012) و صادقی فسایی، (۱۳۸۵).

اما در سبب‌شناسی مسأله مزاحمت‌های خیابانی باید گفت بیشترین لذت مردانی که قصد ایجاد مزاحمت‌های خیابانی را دارند، تحقیر جنسی طرف مقابل است. به گونه‌ای که هر چه میزان ترس، استرس و تحقیر روحی و روانی زن بیشتر است، فرد مزاحم از کاری که می‌کند، لذت بیشتری می‌برد (کاوه، ۱۳۹۱: ۱۱۴۷).

علاوه بر علل اجتماعی و بین فردی، برخی ویژگی‌های شخصی و روانی مرتکبین مزاحمت نیز ممکن است در بروز مزاحمت خیابانی دخیل هستند. از مهم‌ترین خصوصیت افراد مزاحم، می‌توان به داشتن پرخاشگری جنسی زیاد، نگاه کردن به زنان به عنوان موضوع جنسی، داشتن سرعت عمل در توجیه رفتار و تعارض‌های روانی و خانوادگی زیاد اشاره کرد (کاوه، ۱۳۹۱: ۱۱۳۰). عدم پایبندی به اصول اخلاقی در این گونه رفتارها، ناشی از این واقعیت است که کسانی که مرتکب خشونت جنسی شده‌اند فقط به ندرت قبول می‌کنند که کار

مزاحمت‌های خیابانی وجود دارد (Farichild, Fileborn, 2013:1). مزاحمت خیابانی مزاحمت‌های جنسی توسط افراد غریبه هستند. به همین علت مفهوم مزاحمت غریبه‌ها، شباهت بسیاری با مفهوم‌سازی توجه ناخواسته جنسی به وسیله پژوهشگران مزاحمت جنسی دارد (Farichild & Rudman, 2008:340-341). بنا بر گفته باومن (1993) مزاحمت خیابانی یا مزاحمت غریبه‌ها «شامل رفتارهای شفاهی و غیر شفاهی مثل علامت دادن‌های آژمندانه، چشم‌چرانی کردن، چشم‌ک‌زدن، ناگهانی و با زور گرفتن، نیشگون زدن، هو کردن و اظهار نظرهای غریبه‌ها مثل اظهار نظرهای مکرر جنسی درباره جنسیتش و ارزیابی ظاهر فیزیکی زن یا هیبتش در ملاء عام، است.» این اطلاعات توسط گاردنر (1995) به کار گرفته شد تا ارزیابی‌ای از مزاحمت غریبه‌ها ارائه دهد، او فراتر رفته و بین مزاحمت غریبه‌ها و ادبیات مستقر در مورد توجه ناخواسته جنسی، پیوند زد (Farichild & Rudman, 2008:341) و مزاحمت خیابانی شکلی از آزارهای مبتنی بر جنسیت در نظر گرفته شد که در فضاهای عمومی رخ می‌دهد (Livingston et al., 2013:1).

در سال 1908، یک ماهنامه عمومی مجموعه‌ای از داستان‌های مستند از تجربیات زنانی که به شهر مهاجرت کرده بودند و دنبال کار می‌گشتند، منتشر شد. این داستان‌ها گستردگی و دامنه مزاحمت را آشکار کرد. بلارزیک^۱ (1978)، در یک محاسبه تاریخی از این پدیده، یک کارخانه رفت و روب را برمی‌شمرد که در آن‌جا زنان برای محافظت از خودشان، چاقو حمل می‌کردند (Fitzgerald & et al., 1988:153) به گزارش یک مطالعه ملی سلامت زنان، در کشور فنلاند، ۱۹٫۶٪ از زنان، دامنه‌ای از رفتارهای مزاحمت را، در سراسر سال گذشته تجربه کرده بودند. در فرانسه، در پیمایش ملی خشونت علیه زنان، که درباره وقوع مزاحمت هم در محل کار و هم در مکان‌های عمومی در سال گذشته، سؤال پرسیده شد، ۸٫۳٪ زنان فرانسوی (۱۵٪ زنان پاریس) اشکال یکسانی از

¹ Bularzik

که در ایران، اگرچه زنان به طور مکرر مزاحمت جنسی در مکان‌های عمومی را تجربه می‌کنند، اما گزارشات یا کارهای علمی کمی در این باره یافت شده است. دلیل این امر، این است که صحبت کردن درباره موضوعات جنسی در ایران، هنوز یک تابو است و این اعتقاد وجود دارد که مسائل مرتبط با موضوعات جنسی باید در پوششی از سکوت باقی بمانند (Lahsaizadeh & Yousefinejad, 2012:19).

عدم طرح و توجه به مقوله سوء رفتارهای مدنی و مزاحمت‌های خیابانی در طیف گسترده آن در جامعه ما، که با تمرکز بر مقوله عام «جرم» و تهدیدهای مجرمانه از قلم افتاده است، به وضوح دیده می‌شود. در حالی که در مشاهدات و تجارب روزمره شاهد آنیم که این سوء رفتارهای رایج و تهدیدات به ظاهر کم اهمیت یا بی‌اهمیت، به مراتب بیشتر از رفتارهای مجرمانه، حریم زنان در جامعه ما را ناامن و تجربه‌ای دردناک و آسیب‌زا برای بسیاری از آنان محسوب می‌شود که به واقع جای تحقیق و بررسی‌های علمی لازم در باب آن خالی است (قاضی‌نژاد و شاکری، ۱۳۹۱: ۱۸۷).

پژوهش حاضر قصد دارد تا با بررسی میزان مزاحمت‌های خیابانی و بررسی انواع این مزاحمت‌ها، ابعاد پنهان مزاحمت‌های خیابانی را نشان دهد و به عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن زنان و دختران را مورد تحلیل قرار دهد.

پیشینه تجربی تحقیق

مهدنژاد، پرهیز و خزاعی (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان «تحلیل فضایی جرایم مزاحمت‌های خیابانی علیه زنان در شهر زنجان» انجام داده‌اند. این پژوهش با هدف تحلیل سازمان فضایی مزاحمت خیابانی در شهر زنجان و الگوهای مکانی و عوامل تسهیل کننده این جرایم با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی انجام شده است. مطابق یافته‌های پژوهش، جرایم مزاحمت خیابانی علیه زنان با ۱۴٫۷۸ درصد کل جرایم ارتكابی در شهر زنجان، سومین رتبه را از نظر فراوانی در میان سایر جرایم کسب کرده است و مهم‌ترین کانون آن در بخش

«خطایی» انجام داده‌اند. آنان نظام واژگانی از انگیزه‌ها و بنیان‌های عقلانی که از فرهنگ محیط اجتماعی شان گرفته شده، می‌سازند؛ واژگانی که احساس می‌کنند از سوی دیگران مورد قبول واقع می‌شود. استفاده معمول از این نظام واژگانی از سوی پلیس، قضات و وکلا در کاهش نرخ محکومیت‌های مربوط به خشونت جنسی تأثیر دارد (شفیلد، ۱۳۸۰: ۶۶).

لازم به ذکر است که مزاحمت خیابانی به ندرت مورد توجه محققان علوم اجتماعی قرار گرفته است (لهسایی‌زاده و یوسفی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۳۳). بسیاری از مزاحمت‌های جنسی می‌توانند در خیلی از موقعیت‌ها اتفاق بیفتند، اما اکثر محققان این تجربیات را در محل کار یا مدرسه جویا می‌شوند؛ به علت اینکه تحقیق کردن درباره مزاحمت‌های جنسی در بیرون از این مکان‌ها مشکل است (Farichild & Rudman, 2008:340). به علاوه برخی تحقیقات به مزاحمت جنسی توسط اعضای خانواده و اقوام و آشنایان می‌پردازند و کمتر افراد را ترغیب می‌کنند که مزاحمت توسط افراد غریبه را بیان کنند (Farichild & Rudman, 2008:341). با وجود انبوهی از اثرات منفی‌ای که مزاحمت غریبه‌ها بر روی زنان دارد، روشن است که خلاء در ادبیات این مسأله وجود دارد (Farichild & Rudman, 2008:339). تحقیقات مک میلان و همکاران نشان داد که مزاحمت غریبه‌ها خیلی شایع‌تر از مزاحمت افراد غیر غریبه است. علاوه بر این، آنان متوجه شدند که مزاحم غریبه تأثیر معنی‌دار و ثابتی بر ترس زنان از مزاحمت افرادی که غریبه نیستند، دارد. به گفته آنان مزاحمت غریبه احساس امنیت زنان در پیاده‌روی در شب، استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، تنها راه رفتن در گاراژ پارکینگ و تنها ماندن در خانه در شب، را کاهش می‌دهد (Farichild & Rudman, 2008:341).

البته طی دو دهه اخیر، پژوهش‌ها در مورد مزاحمت‌های جنسی در کشورهای غربی افزایش یافته است (فیتز‌گرالد و شلمان، ۱۹۹۳؛ گروبر، ۱۹۹۸؛ گوتک، ۱۹۸۵؛ لاروکا و کرومیری، ۱۹۹۹؛ اکنل و کراییک، ۲۰۰۰؛ تانگری برت و جانسون، ۱۹۸۲؛ واین، ۲۰۰۰؛ ویلیامز گیفر و دلینگر، ۱۹۹۹؛ ویلسون، ۲۰۰۰) (Parish & et al., 2006:411) این در حالی است

است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مزاحمت از طریق وسایل نقلیه، زل‌زدن و خیره شدن و متلک‌پرانی از اشکال رایج رفتارهای خشونت‌آمیزی است که بیش از دو سوم زنان و دختران در طول دوره بررسی لاقبل یکبار آن را تجربه کرده‌اند.

نتایج پژوهش دیگری که توسط علیخواه و ربیعی (۱۳۸۵) انجام شد، نشان می‌دهد زنانی که در مناطق شمالی شهر تهران زندگی می‌کنند، خلوتی کوچک‌ها و معابر را عامل بسیار نگران‌کننده‌ای می‌دانستند. بیشتر آن‌ها هم عقیده بودند که عبور و مرور در ساعت ۱ تا ۴ بعدازظهر و به ویژه در تابستان و بعد از ساعت ۹ شب بسیار برایشان دلهره‌آور است. برخی از زنان معتقد بودند که نمی‌توانند به هم‌جنس خودشان کمک کنند چرا که خودشان نیز در معرض خطر قرار می‌گیرند و یا چون از مردان ضعیف‌ترند توانایی مقابله ندارند. در مقابل زنانی که در مناطق میانی و متراکم شهر زندگی می‌کنند، می‌گویند که به خاطر شلوغی، رفت و آمد برایشان راحت‌تر است و حتی تا ساعت ۱۱ شب نیز می‌توانند در این مناطق تردد نمایند، اما مشکلات دیگری همچون تنه خوردن، لمس شدن بدن، شنیدن متلک و حتی حرف‌های رکیک دارند.

تحقیقات خارجی

در یک مطالعه کیفی توسط لیوینگستون^۱ و همکاران (۲۰۱۳)، نمونه‌ای ۲۲۳ نفره در شهر نیویورک، طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ بررسی شده‌اند. در این نمونه ۵۵ درصد گزارش کرده‌اند که مزاحمت خیابانی در خیابان یا پارک، ۱۶ درصد در وسایل حمل و نقل عمومی، ۱۴ درصد در دیگر مکان‌های عمومی مانند بارها یا فروشگاه‌ها، برای آنان اتفاق افتاده است. انواع مزاحمت‌های گزارش شده شامل ۵۷ درصد کلامی، ۲۹ درصد لمس فیزیکی، ۱۲ درصد دست‌مالی کردن بدن و یا قصد انجام آن و ۴ درصد رفتارهای غیر کلامی^۲ بوده است.

تحقیقی نیز با عنوان تأثیرات زمینه‌ای بر روی ادراک زنان

مرکزی این شهر قرار دارد و خیابان‌های واقع در بخش مرکزی شهر و معابر منتهی به این خیابان‌ها، مکان‌های اصلی وقوع جرایم بررسی شده است.

ثمودی پیلهور (۱۳۹۲) نیز، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی خشونت نمادین پسران علیه دختران با تکیه بر مزاحمت‌های خیابانی» در صدد شناسایی علل ایجاد این مزاحمت‌ها و ارائه راهکارهایی برای کاهش آن است. این تحقیق که با روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه در منطقه صادقیه تهران، انجام شده است به این نتیجه رسید که عوامل فرهنگی اعتقادی مختلفی چون اجتماعی شدن ناقص و تربیت ناصحیح اعتقادی و امثالهم موجب می‌گردد تا افرادی از این قبیل در بزرگسالی به ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم پردازند.

ایمان و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی را با عنوان «زنان، مزاحمت و واکنش: بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش به آن» انجام دادند. بر اساس نتایج این تحقیق، مزاحمت‌های بصری بیشترین وقوع را دارند و پس از آن به ترتیب؛ مزاحمت‌های کلامی، لمسی، و تعقیبی قرار دارند. همچنین یافته‌های بخش کمی حاکی از این است که بیشتر پاسخگویان (حدود ۷۰ درصد) به مزاحمت‌ها پاسخ منفعلانه می‌دهند.

پژوهشی با عنوان «جنبه‌های اجتماعی تجربیات زنان از مزاحمت‌های جنسی در مکان‌های عمومی در ایران» توسط لهسایی‌زاده و یوسفی‌نژاد (۲۰۱۲) انجام شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که دشنام‌های جنسی و به طور ناگهانی و به زور قاپیدن و لمس کردن زنان به خصوص در حومه خوابگاهی نزدیک دانشگاه شیراز گزارش شده است. مزاحمت‌ها بیشتر در مکان‌های عمومی روی می‌دهند تا مکان‌های نیمه عمومی و مفروضات جنسیتی عامل این مزاحمت‌ها است.

تحقیق دیگری با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر رفتار قربانیان خشونت و ارتباط آن با رفتار خشونت‌آمیز علیه آنان» توسط حیدری چروده (۱۳۸۹) در شهر مشهد انجام شده

^۱ Livingeston

^۲ nonverbal

شاغل بودن زنان از فاکتورهایی است که مزاحمت‌های جنسی نسبت به آنان را افزایش می‌دهد.

لنتون^۳ و همکاران (۱۹۹۹) پژوهشی با عنوان «مزاحمت خیابانی در مکان‌های عمومی: تجربه زنان کانادایی» با روش کیفی و ابزار مصاحبه انجام دادند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مزاحمت خیابانی در مکان‌های عمومی‌ای مانند خیابان‌ها، سیستم مسافربری شهری و مراکز خرید شایع است. و این مزاحمت‌ها برای ۸۸٫۷ درصد از زنان نمونه، بیش از ۲ بار اتفاق افتاده است. طبق نتایج این تحقیق، زنانی که تجربه مزاحمت داشتند بیشتر اوقات وسایلی برای محافظت شخصی با خود حمل می‌کردند.

چارچوب نظری

نظریه‌های فمینیستی

در زمینه خشونت دیدگاه فمینیستی واحدی وجود ندارد ولی همه رویکردهای فمینیستی خشونت نسبت به زنان را در متن وسیع‌تری بررسی می‌کنند که همان جایگاه فرودست زنان نسبت به مردان است. در دهه هفتاد فمینیست‌ها کوشیدند تجاوز جنسی و کتک زدن همسر را علایم جدی خشونت مردان نسبت به زنان معرفی کنند. اما این رویکرد به تازگی مورد اعتراض واقع شده و فمینیست‌ها گفته‌اند هرچه را که موجب وحشت و ارباب‌زنان می‌شود باید در بستر کنترلی که مردان بر رفتار زنان دارند، بررسی کرد. وحشت زنان از خشونت در واقع عامل کنترل رفتار آنهاست، به طوری که فعالیت‌های خود را محدود و مقید می‌کنند و مثلاً اگر شب‌ها از خانه بیرون بروند، در سایه حمایت یک مرد است (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۲۳۲) از این گذشته، همیشه به زنان توصیه می‌شود در نواحی ناامن از خانه بیرون نروند؛ هرگز پیشنهاد نمی‌شود که مردان در خانه بمانند تا زنان با خیال راحت از خانه بیرون بروند (آبوت و والاس، ۱۳۸۱: ۲۳۴-۲۳۳). برخی ادیان محافظه کار نیز، از اذیت و آزار خانگی ناشی از ساختار قدرتمند پدرسالاری در خانواده دفاع می‌کنند و به زنان توصیه

از آزارهای بیگانه توسط فاریچایلد (۲۰۱۰) انجام شد. در بخش اول ۱۶۹۸ پاسخگو مورد پیمایش قرار گرفتند که ۱۲۷۷ نفر زن بودند و در گروه سنی ۱۵ تا ۷۱ سال قرار داشتند. بخش دوم این تحقیق بر روی ۸۱۸ پاسخگو انجام شد که ۴۶۴ نفر آنان زن بودند و سن شرکت‌کنندگان بین ۱۴ تا ۶۵ سال بود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تجربه «صدای جیغ، سوت زدن یا خیره نگاه کردن» و «توجه ناخوشایند جنسی» هر ماه به وسیله ۲۴ درصد از افراد نمونه گزارش شده است. به علاوه ۲۷ درصد تجربه «صدای جیغ، سوت زدن یا خیره نگاه کردن» را از افراد غریبه روزانه کم و بیش بیان کرده‌اند.

تحقیق دیگری با عنوان «مزاحمت خیابانی در استانبول» توسط هانتز^۱ (۲۰۱۲) انجام شده است. ۶۳ درصد شرکت‌کنندگان مزاحمت در فضاهای عمومی را دست کم ماهی یک بار، گزارش داده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، تکرار مزاحمت خیابانی می‌تواند تأثیر بسیار منفی‌ای بر فعالیت‌های روزانه، واکنش‌های اجتماعی و زندگی عمومی ساکنان استانبول بگذارد.

برترام (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان «ایستادگی دختران در مقابل خشونت جنسی در خیابان و مدرسه» را در سال ۲۰۱۱ در آمریکا، انجام شد. بر اساس نتایج این تحقیق تنها سه درصد از دانش‌آموزان حادثه مزاحمت را گزارش دادند. زیرا که فرض بر «عادی» بودن مزاحمت‌ها است و نیاز به گزارش دادن را از بین برده است.

پژوهشی با عنوان «مزاحمت جنسی زنان در مناطق شهری چین» توسط پاریش، داس و لومن^۲ (۲۰۰۶) انجام شد. هدف این پژوهش، بررسی کردن اشکال مزاحمت‌های جنسی در یک کشور آسیایی است. در این تحقیق از مصاحبه چهره به چهره استفاده شد. طبق نتایج این تحقیق، در کل، ۱۲٫۵ درصد از کل زنان و ۱۵٫۱ درصد از زنان شهری میزانی از مزاحمت در سال گذشته را بیان کردند. همچنین جوان بودن و

^۱ Hunter

^۲ Parish, William L; Das, Aniruddha; Laumann

^۳ Lenton

در کودکان، صفتهای منسوب به دختر و پسر، به شیوه معناداری نهادینه می‌شوند. چنان که حتی در موقع توزیع اسباب‌بازی‌های گوناگون نیز، این رفتارها نمایان می‌شود. بازی‌های پسران معمولاً خشونت‌آمیزتر است، گاهی با ماکت‌های ابزار جنگی انجام می‌شود، در حالی که دختران به بازی‌های لطیف‌تر سوق داده می‌شوند (علی اصغری‌پور و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۳). مادران در رفتار با دختر و پسر، حتی در دوران نوزادی، میان آن‌ها فرق می‌گذارند. مادران سر و صدا و کارهای نوزاد دختر را بیش از نوزاد پسر برای او تکرار می‌کنند. هرچه نوزاد بزرگ‌تر می‌شود، مادران برای آرام کردن پسر کمتر تلاش می‌کردند. در نظر ماس این کاربرد الگویی مطابق با آن دسته از انتظارات فرهنگی است که بنا بر آن مرد نسبت به زن اعتماد به نفس بیشتر و حساسیت کمتری دارد (گرت، ۱۳۸۲: ۴۰). جامعه‌پذیری جنسیتی از طریق خانواده، مدارس، رسانه‌ها و ... صورت می‌پذیرد. دین نیز به عنوان یک سرمایه مهم و چند وجهی، نقشی تأثیرگذار بر نگرش‌ها، رفتارها و کنش‌های افراد و همچنین بر ادراک و پذیرش نقش‌های جنسیتی با توجه به قرار گرفتن آن‌ها دارد (سروش و بحرانی، ۱۳۹۲: ۱۹۶). اعتقادات دینی و آموزه‌های دینی، از طریق ضمانت‌های اجرایی که درون آن‌ها وجود دارد، هر چند غیر مستقیم؛ ولی کنش اجتماعی را هدایت می‌کند و به رفتار انسان‌ها جهت می‌دهد. این ضمانت‌های اجرایی رفتار مبتنی بر عادت را در افراد ایجاد می‌کند که بر اثر آن نوع خاصی از شخصیت شکل می‌گیرد (قاسمی و امیری اسفرجانی، ۱۳۹۰: ۲۸). به این ترتیب دین نیز در پذیرش نقش‌های جنسیتی افراد نقش ایفا می‌کند (سروش و بحرانی، ۱۳۹۲: ۱۹۹).

جامعه‌پذیری جنسیتی با نهادینه کردن نابرابری از یک سو و تداوم بخشیدن به آن در نسل‌های آینده، از سوی دیگر می‌تواند در حکم بسترهای نابرابر جنسیتی شناخته شود. طبق الگوی جامعه‌پذیری جنسیتی، که در آن مردانگی ارزش محسوب می‌شود، زنان موجوداتی تابع و مطیع در ساختار مردسالار خانواده‌اند و در حوزه‌های خصوصی خانواده محصورند و مردان در دنیای معمولی حضور و اشتغال دارند

می‌کنند که به زندگی با شوهران آزارگراشان ادامه دهند، چون تکلیف و مسؤولیت مذهبی آنان همین است که با همسران خود بمانند و از آن‌ها اطاعت کنند (دهقانی، ۱۳۸۸: ۶۹). همین گونه نیز، نسبت به مزاحمت‌های خیابانی - که جنبه‌ای از اعمال ارزش‌های مردسالاری علیه زنان در محیط‌های عمومی است - تحمل و مدارا تشویق می‌شود و دیدگاه سنتی دینی، با در نظر گرفتن زنان به عنوان موجوداتی اغواگر، خطاها را متوجه زنان می‌داند. کسانی که بر حسب معیارهای مختلف مذهبی‌اند، در نگرش‌های خود «محافظه کارترند». آنان با مسائلی مانند فمینیسم مخالف‌اند و موافق جداسازی زنان و مردان هستند (دهقانی، ۱۳۸۸: ۶۵).

آنچه نظریه‌های فمینیستی در خصوص آزار جنسی را از دیگر نظریات متمایز می‌کند، این است که آن‌ها آزار جنسی را به عنوان یک مسأله ساده که ناشی از انحراف یا سوء رفتار رفتار فردی است، تلقی نمی‌کنند، بلکه آن را نوعی خشونت علیه زنان یا مظهر ظلم و ستم اقتصادی می‌دانند که ریشه عمیقی در جامعه‌پذیری جنسیتی و مردسالاری دارد (سامولس، ۲۰۰۳ به نقل از رجب لاریجانی، ۱۳۸۹: ۲۳). لیبرال فمینیست‌ها، اجتماعی شدن نقش جنسیتی زنان (مانند نقش‌های مراقبتی و آسیب‌پذیر و منفعل بودن) و مردان (مانند نقش‌های رقابتی، پرخاشگر و کنترل‌کننده) را منشأ آزارهای جنسی بر زنان می‌دانند. در جرم‌شناسی رادیکال فمینیستی نیز، اغلب بر نموده‌ها و مظاهر مردسالاری در جرایم علیه زنان، مانند خشونت‌های خانگی، تجاوز، آزار جنسی و هرزه‌نگاری تأکید می‌شود (Berges, 2006:29).

نظریه جامعه‌پذیری جنسیتی

منظور از جامعه‌پذیری جنسیتی، آموزش ارزش‌های جنسیتی شده به افراد است که از هنگام تولد آغاز می‌شود. بنابراین از شروع زندگی، بسته به دختر یا پسر بودن کودک، با آنان بر اساس الگوی زنانگی و مردانگی رفتار می‌شود و در مقابل توقع می‌رود که آنان نیز به نحوی زنانه یا مردانه به ایفای نقش در جامعه بپردازند (شادی‌طلب و خانجانی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۱۴۱).

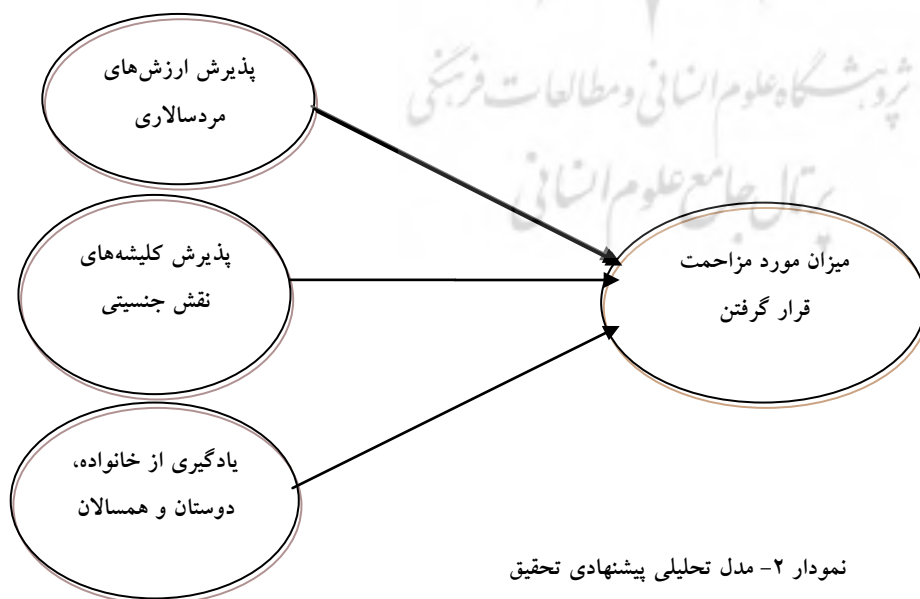
(ابوت و والاس، ۱۳۸۱). فرآیند جامعه‌پذیری در خانواده گرایش‌های جنسیت زن و مرد و مطیع بودن زن می‌شود. چرا که معمولاً از زنان تصویری آرام، مطیع، منفعل، عاطفی و وابسته و از مردان تصویری مستقل، استوار، شایسته، توانا و مصمم ترسیم کرده است. مطابق این دیدگاه، خشونت رفتاری است که یاد گرفته می‌شود و معمولاً در جوامع خشونت علیه زنان مشروع و طبیعی است و واکنش‌های جنسیتی سنتی خشونت را تشویق می‌کند (محمدی و میرزائی، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۰). مزاحمت‌های خیابانی نسبت به زنان نیز، در چنین شرایطی تولید و بازتولید می‌شود.

هسته اصلی و منشأ تمام ترس‌های اجتماعی زنان همین نگاه جنسی به زن و سوء رفتارهای برآمده از آن است که ریشه در جریان‌های جامعه‌پذیری و یادگیری‌های اجتماعی دراز مدت افراد دارد و فراگیری و شیوع آن در شرایط فعلی آسیب، بیماری و مسأله اجتماعی جدی و قابل توجه جامعه ماست (قاضی‌نژاد و شاکری، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی که توسط آلبرت باندورا مطرح شد

مدل تحلیلی



نمودار ۲- مدل تحلیلی پیشنهادی تحقیق

بر مشاهده، تقلید و تنبیه و تشویق در شکل‌گیری و ادامه رفتار، تأکید دارد. برای مثال، کودکان در فرآیند رشد، تشویق می‌شوند رفتاری را انجام دهند که با جنسیت آن‌ها همخوان است. بنابراین، وقتی یک دختر جوان اخم می‌کند، ممکن است مورد سرزنش قرار بگیرد و به او بگویند: «بهتر نیست لبخندت را ببینیم؟». اگر این دختر به تأیید دیگران اهمیت بدهد، احتمالاً هرچه بیشتر لبخند می‌زند. او متوجه می‌شود که زنان غالباً لبخند می‌زنند و تعمداً در الگوهای غیرکلامی خود از تماس چشمی استفاده می‌کنند. در مقابل، پسر جوان اگر از حرکت‌های دستی زنانه استفاده کنند، مورد انتقاد قرار می‌گیرند و با مشاهده مردان خانواده، جامعه و رسانه‌ها، متوجه حرکت‌های بدنی مردانه کلیشه‌ای می‌شوند. همچنین دختران جوان می‌فهمند که از آن‌ها انتظار می‌رود به عواطف دیگران توجه کنند، در نتیجه به حالات صورت حساس می‌شوند (ماتلین، ۱۳۹۰: ۲۲۳). در واقع جامعه‌پذیری با توجه به همین فرآیندهای یادگیری تکمیل می‌شود. به این ترتیب در مزاحمت‌های خیابانی نیز، مشاهده اعضای خانواده، دوستان و همسالان در برخورد با مزاحمت‌های خیابانی یاد گرفته شده و از آن‌ها تقلید می‌شود.

فرضیات تحقیق

فرضیات تحقیق: فرضیه‌های تحقیق حاضر را می‌توان به این ترتیب مطرح کرد:

- با افزایش میزان پذیرش ارزش‌های مردسالارانه توسط دختران، احتمال مورد مزاحمت خیابانی قرارگرفتن آنان نیز افزایش می‌یابد.

- با افزایش میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی توسط دختران، احتمال مورد مزاحمت خیابانی قرارگرفتن آنان نیز افزایش می‌یابد.

- با افزایش میزان یادگیری رفتارهای منفعلانه به هنگام برخورد با مزاحمان خیابانی (از اعضای خانواده و دوستان)، احتمال مورد مزاحمت خیابانی قرارگرفتن دختران نیز افزایش می‌یابد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانشجویان دختر دانشگاه مازندران هستند که در نیم سال تحصیلی دوم ۹۲-۹۳، شاغل به تحصیل در پردیس این دانشگاه در شهر بابلسر (۶۳۹۹ نفر) هستند. حجم نمونه مورد نیاز برای تحقیق حاضر با توجه به فرمول کوکران، برآورد گردید:

$$n = \frac{N t^2 s^2}{N d^2 + t^2 s^2}$$

که در آن n حجم نمونه، s انحراف معیار متغیر میزان مزاحمت

خیابانی در آزمون مقدماتی است که مقدار آن ۰,۶۰۱ است، N حجم جامعه که معادل ۶۳۹۹ نفر است، d دقت احتمالی که ۰,۰۶ در نظر گرفته شده و t: سطح اعتماد که آن را با مقدار تقریبی ۹۵ درصد، ۹۶/۱ در نظر می‌گیریم، هستند. حجم نمونه ۳۶۲ نفر به دست آمد. نمونه‌گیری در این پژوهش، به شیوه تصادفی طبقه‌بندی شده متناسب انجام گرفته است.

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها، از ابزار پرسشنامه استفاده شده است برای تعیین اعتبار پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش، ابتدا یک پرسشنامه مقدماتی با توجه به تحقیقات پیشین خارجی و داخلی در این زمینه تهیه گردید و با تعدادی از استادان و متخصصان در این مورد مشورت شد و با رفع نقایص آن، این نتیجه حاصل شد که شاخص‌های به کار رفته در این پرسشنامه، معرف حوزه معنایی مفاهیم اصلی هستند. بنابراین پرسشنامه پژوهش حاضر، دارای اعتبار محتوی است.

لازم به ذکر است با توجه به استفاده از چند مقیاس چند گویه‌ای برای سنجش متغیرهای تحقیق، برای بررسی اعتبار مقیاس‌ها باید از روش اعتبار سازه نیز استفاده نمود. در این روش برای سنجش اعتبار یک مقیاس، از مبانی نظری مرتبط با مفاهیم مورد استفاده در مقیاس کمک گرفته می‌شود. بدین منظور در این تحقیق با استفاده از تحلیل عاملی، اعتبار سازه مقیاس‌های اصلی تحقیق آزمون شده‌اند. نتایج حاصل از این شیوه در ذیل توضیح داده شده است.

جدول ۱- آزمون بارتلت و شاخص KMO برای بررسی کیفیت نمونه

نام آزمون آماری	شاخص آزمون	توضیحات
آزمون کایزر مایر اوکلین	Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy	کفایت نمونه‌گیری در حد بسیار خوب است ۰,۹۳۸
آزمون بارتلت	Approx. Chi-Square	نتایج آزمون قابلیت تعمیم به کل جامعه آماری را دارد ۴۵۱۵,۶۶۰
	df (درجه آزادی)	۲۳۱
	Sig. (سطح معناداری)	۰,۰۰۰

به منظور شناسایی بار عاملی گویه‌ها، ماتریس چرخش یافته عامل‌ها در جدول ۲ نمایش داده شده است.:

جدول ۲- ماتریس چرخش یافته عامل‌ها

عامل‌ها		متغیرها
پیشنهاد و تهدید جنسی	مزاحمت غیر فیزیکی	مزاحمت فیزیکی
	۰/۶۴۳	حرف‌های نامناسب (متلک) شنیده‌ام
	۰/۴۹۱	حرف‌های نامناسبی در مورد اندامم شنیده‌ام
	۰/۷۰۹	به من اصرار شده است تا شماره تلفن بدهم یا بگیرم
	۰/۶۳۰	به من نگاه خیره و شهوت‌الود کرده‌اند
	۰/۷۴۸	نسبت به من چشم‌چرانی کرده‌اند
	۰/۷۷۰	به من چشمک زده‌اند
	۰/۸۰۴	با دیدن من شروع به سوت زدن یا آواز خواندن کرده‌اند
	۰/۷۳۴	برایم سد معبر ایجاد کرده‌اند
	۰/۷۶۱	من را تعقیب کرده‌اند
	۰/۷۲۴	برایم صدای بوسه درآورده‌اند
	۰/۸۰۱	با وسایل نقلیه برایم بوق زده‌اند یا چراغ داده‌اند
	۰/۷۹۸	با ماشین ویراژ داده‌اند یا ترمز شدید زده‌اند تا من را بترسانند
	۰/۶۹۱	با ماشین توقف کرده‌اند و اصرار در سوار کردن من داشته‌اند
	۰/۷۱۷	برای من ایما و اشارات زننده درآورده‌اند
۰/۷۱۹		به صورت ناجور من را لمس کرده‌اند
۰/۶۵۶		بیش از اندازه به بدن من نزدیک شده‌اند
۰/۷۱۷		به نقاط حساس بدن من، به صورت شدید و ناگهانی حمله کرده‌اند
۰/۵۳۵		به من تنه زده‌اند
۰/۸۲۴		حرف‌های توهین‌آمیز و درخواست‌های صریح جنسی شنیده‌ام
۰/۸۳۹		به من پیشنهاد جنسی داده‌اند
۰/۶۸۲		من را تهدید جنسی کرده‌اند
۰/۵۳۹		حرف‌های شهنوائی که با صدای بلند و خطاب به من است، شنیده‌ام

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن

مزاحمت خیابانی یا مزاحمت غریبه‌ها «شامل رفتارهای شفاهی و غیر شفاهی مثل علامت دادن‌های آزمندانانه، چشم‌چرانی کردن، چشمک زدن، ناگهانی و با زور گرفتن، نیشگون، هو کردن و اظهار نظرهای غریبه‌ها مثل اظهار نظرهای مکرر جنسی درباره جنسیتش و ارزیابی ظاهر فیزیکی زن یا هیبتش در ملاء عام، است».

در تحقیق حاضر برای سنجش میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن، ابتدا مزاحمت خیابانی را به دو بعد کلی

با توجه به نتایج آزمون تحلیل عاملی و بار عاملی

گویه‌ها، در نهایت سه عامل؛ «مزاحمت‌های غیر فیزیکی»، «مزاحمت‌های فیزیکی» و «پیشنهاد و تهدید جنسی» شناسایی شدند.

برای پایایی پرسشنامه نیز، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است، که میزان این ضریب برای متغیر ملاک تحقیق حاضر، ۰،۸۹ است. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر پذیرش ارزش‌های مردسالاری ۰،۸۱ و متغیر پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی، ۰،۷۸ و متغیر یادگیری اجتماعی ۰،۵۵ برآورد شده است.

کریمی (۱۳۸۸) به مقیاس مذکور اضافه شده است و از پاسخگویان خواسته شده تا میزان موافقت یا مخالفت خود را به هر یک از گویه‌های مربوط به ارزش‌های مردسالاری اعلام نمایند. نمره نهایی از مجموع نمرات گویه‌ها حاصل شده است و کسب نمرات بالاتر، به معنای گرایش بیشتر به ارزش‌های مردسالاری است.

پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی

مقصود از میزان پذیرش کلیشه‌های جنسیتی، میزان باور داشت فرد به برخی عقاید قالبی و کلیشه‌ای درباره ویژگی‌های رفتاری و خصوصیات فکری منتسب به مردان یا زنان در جامعه است (ریاحی، ۱۳۸۶: ۱۲۲) که ممکن است واقعیت نداشته‌اند (ماتلین، ۱۳۹۰: ۴۹). برای سنجش میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی در تحقیق حاضر، از یک مقیاس ۱۵ گویه‌ای استفاده شده است. این مقیاس، پیش از این توسط جوکار و همکاران (۱۳۹۰)، آزمون شده است. دو گویه به مقیاس حاضر افزوده شده که از پژوهش ریاحی (۱۳۸۶)، برگرفته شده است. از پاسخگویان خواسته شده تا میزان موافقت یا مخالفت خود را به هر یک از گویه‌های مربوط به پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی اعلام نمایند. نمره نهایی از مجموع نمرات گویه‌ها حاصل شده است و کسب نمرات بالاتر، به معنای گرایش بیشتر به پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی است.

یادگیری اجتماعی

اشخاص می‌توانند از طریق مشاهده رفتار دیگران و نتایج آن رفتارها را یاد بگیرند. در یادگیری اجتماعی، فرآیندهای شناختی و عوامل محیطی، عوامل دو طرفه هستند (پورسعید، ۱۳۸۸: ۸۴). و فرآیندهای شناختی و تقویت مثبت یا منفی، در یادگیری نقش ایفا می‌کنند (رفیعی، ۱۳۸۲: ۵۳). در پژوهش حاضر، برای سنجش یادگیری اجتماعی، یک مقیاس ۵ گویه‌ای ساخته شد که با توجه به نکات کلیدی نظریه

دسته‌بندی کردیم: آزارهای کلامی و آزارهای غیر کلامی. آزارهای کلامی را به دو دسته متلک‌پرانی، پیشنهاد و تهدید جنسی تقسیم نموده‌ایم. آزارهای غیر کلامی را نیز خود به دو دسته فیزیکی و غیر فیزیکی تقسیم نمودیم (اسماعیلی نسب، ۱۳۸۶). سپس گویه‌های مربوط به هر نوع از مزاحمت‌ها، ساخته شد. این مقیاس به وسیله رجب لاریجانی (۱۳۸۹)، در بین زنان شاغل شهر تهران مورد آزمون قرار گرفته است. همچنین در پژوهش حاضر، از پرسشنامه پژوهشی که هانتر (۲۰۱۲) در بین زنان ۱۸ تا ۵۹ ساله شهر استانبول انجام داد، استفاده شد و با ترکیب این دو، مقیاس نهایی شامل ۲۲ گویه تنظیم شد. سطح سنجش این گویه‌ها ترتیبی است و بدین منظور از طیف لیکرت استفاده شده است و نمره نهایی از مجموع نمرات گویه‌ها حاصل شده است. به این ترتیب که از پاسخگویان خواسته شده تا با توجه به انواع مزاحمت‌های خیابانی که در گویه‌ها عنوان شده است، میزان برخورد با آن‌ها را در طی سه ماه گذشته، از هرگز (هیچ وقت)، یک تا سه بار (به ندرت)، چهار تا هشت بار (گاهی اوقات)، هشت تا پانزده بار (گاهی اوقات) و بیش از پانزده بار (همیشه) مشخص کنند. کسب نمرات بالاتر به منزله در معرض مزاحمت قرار گرفتن بیشتر است.

پذیرش ارزش‌های مردسالاری

نظام مردسالار سبب می‌شود که مردان از قدرت و اقتدار بیشتری از زنان برخوردارند و از طریق در دست داشتن اهرم‌های قدرت، نه فقط زنان را از موقعیت‌های مقتدرانه دور نگه می‌دارند، بلکه قادرند بر اندام و رفتارهای زنان در عرصه‌های عمومی و حقوقی نیز نظارت نمایند (اعزازی، ۱۳۸۳). ارزش‌های حاکم بر این نظام را ارزش‌های مردسالاری گویند. برای سنجش مفهوم ارزش‌های مردسالاری در تحقیق حاضر، از ۱۴ یک مقیاس گویه‌ای استفاده شد. این مقیاس پیش از این توسط اسماعیلی (۱۳۹۱) و در بین زنان و مردان شهر مریوان، آزمون شده است. به علاوه، سه گویه نیز از پژوهش غیاثی و

یادگیری که مشاهده و تقلید از اعضای خانواده، دوستان و همسالان است، ساخته شده است. سطح سنجش همه این گویه‌ها ترتیبی است و از پاسخگویان خواسته شد تا به گویه‌ها با گزینه‌های هرگز، خیلی کم، گاهی، زیاد و همیشه پاسخ گویند. نمره نهایی از مجموع نمرات گویه‌ها حاصل شده است و کسب نمرات بالاتر، به معنای یادگیری بیشتر سکوت (واکنش انفعالی)، توسط دختران است.

یافته های تحقیق

توصیف متغیر ملاک

میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن

جدول ۳ توزیع پاسخگویان به لحاظ نوع و میزان مزاحمت خیابانی تجربه شده در سه ماه گذشته را نشان می‌دهد. مطابق این جدول، بالاترین میزان تجربه مزاحمت خیابانی توسط

جدول ۳- توزیع پاسخگویان به لحاظ نوع و میزان مزاحمت خیابانی تجربه شده در سه ماه گذشته

همیشه	اکثر اوقات	گاهی اوقات	بندرت	هرگز	گویه‌ها	ردیف	ردیف
۲۰,۲	۱۵,۱	۲۲,۴	۳۱,۴	۱۰,۹	با وسایل نقلیه برایم بوق زده‌اند یا چراغ داده‌اند	۱	تجربه مزاحمت خیابانی
۲۱,۴	۱۴,۶	۲۲,۰	۲۶,۸	۱۵,۲	نسبت به من چشم‌چرانی کرده‌اند	۲	
۲۰,۰	۱۳,۸	۱۸,۶	۲۲,۰	۲۵,۶	به من چشمک زده‌اند	۳	
۱۴,۵	۱۲,۳	۲۱,۷	۳۰,۲	۲۱,۴	به من نگاه خیره و شهوت آلود کرده‌اند	۴	
۱۴,۸	۱۱,۸	۱۸,۲	۳۱,۷	۲۳,۵	با دیدن من شروع به سوت زدن یا آواز خواندن کرده‌اند	۵	
۱۲,۳	۱۰,۴	۲۰,۴	۲۸,۹	۲۸,۰	با ماشین و پیراژ داده‌اند یا ترمز شدید زده‌اند تا من را ترسانند	۶	
۸,۵	۵,۶	۱۳,۸	۲۶,۸	۴۵,۴	با ماشین توقف کرده‌اند و اصرار در سوار کردن من داشته‌اند	۷	
۷,۳	۸,۱	۱۳,۷	۳۴,۴	۳۶,۶	من را تعقیب کرده‌اند	۸	
۷,۵	۷,۵	۱۴,۷	۳۱,۱	۳۹,۲	برای من ایما و اشارات زننده درآورده‌اند	۹	
۷,۰	۷,۵	۱۴,۸	۳۲,۶	۳۸,۲	برایم صدای بوسه درآورده‌اند	۱۰	
۷,۰	۸,۹	۱۲,۶	۲۷,۴	۴۴,۱	برایم سد معبر ایجاد کرده‌اند	۱۱	
۲۸,۱	۱۴,۷	۲۲,۸	۲۶,۱	۸,۳	حرفهای نامناسب (متلک) شنیده‌ام	۱۲	
۱۳,۰	۱۴,۱	۲۰,۸	۲۵,۴	۲۶,۸	به من اصرار شده است تا شماره تلفن بدهم یا بگیرم	۱۳	
۸,۶	۷,۲	۱۲,۵	۳۳,۴	۳۸,۲	حرف‌های نامناسبی در مورد اندامم شنیده‌ام	۱۴	
۱۱,۲	۱۰,۷	۲۰,۸	۴۳,۳	۱۴,۰	به من تنه زده‌اند	۱۵	تجربه مزاحمت خیابانی
۱,۷	۶,۸	۹,۳	۳۸,۹	۴۳,۴	بیش از اندازه به بدن من نزدیک شده‌اند	۱۶	
۰,۸	۱,۱	۵,۳	۲۸,۱	۶۴,۷	بدنم را لمس کردند و به من دست زدند	۱۷	
۰,۶	۰,۶	۳,۹	۱۶,۹	۷۸,۱	به نقاط حساس بدن من، به صورت ناگهانی حمله کرده‌اند	۱۸	تهدید جنسی
۲,۸	۲,۵	۱۱,۹	۲۰,۴	۶۲,۳	حرف‌های توهین‌آمیز و درخواست‌های صریح جنسی شنیده‌ام	۱۹	
۴,۲	۲,۸	۷,۵	۲۷,۹	۵۷,۵	حرف‌های شهوانی که با صدای بلند و خطاب به من بود، شنیده‌ام	۲۰	
۲,۹	۲,۰	۶,۶	۱۶,۳	۷۲,۳	به من پیشنهاد جنسی داده‌اند	۲۱	
۰,۶	۰,۶	۲,۰	۹,۳	۸۷,۶	من را تهدید جنسی کرده‌اند	۲۲	

همچنین جدول ۴ توزیع پاسخگویان بر اساس میزان مزاحمت خیابانی، در یک سال گذشته را نشان می‌دهد و مطابق با آن تنها ۲,۶ درصد پاسخگویان، در یک سال گذشته، هیچ وقت مورد مزاحمت قرار نگرفته‌اند. و در مجموع ۷۰,۶ درصد پاسخگویان از روزی چندین بار تا ماهی یک بار مورد این مزاحمت‌ها قرار گرفته‌اند.

جدول ۴- توزیع پاسخگویان بر اساس میزان مزاحمت خیابانی در یک سال گذشته

ردیف	میزان تجربه مزاحمت خیابانی	تعداد	درصد	درصد تجمعی
۱	روزی چندین بار	۲۸	۹,۲	۹,۲
۲	روزی یک بار	۱۵	۴,۹	۱۴,۱
۳	دو سه روز یک بار	۳۹	۱۲,۷	۲۶,۸
۴	هفته ای یک بار	۴۳	۱۴,۱	۴۰,۸
۵	دو سه هفته یک بار	۵۱	۱۶,۷	۵۷,۵
۶	ماهی یک بار	۴۰	۱۳,۱	۷۰,۶
۷	دو سه ماه یک بار	۵۰	۱۶,۳	۸۶,۹
۸	شش ماه یک بار	۳۲	۱۰,۵	۹۷,۴
۹	هیچ وقت	۸	۲,۶	۱۰۰,۰
۱۰	جمع کل	۳۰۶	۱۰۰,۰	---

توصیف متغیرهای پیش‌بین

اجتماعی با ترکیب گویه‌های چهارده گانه، پانزده گانه و سه گانه، جدول ۵ در سه مقوله کم، متوسط و زیاد تنظیم شده است.

جهت فهم دقیق‌تر داده‌های مربوط به پذیرش ارزش‌های مردسالاری، پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی و یادگیری

جدول ۵- توزیع پاسخگویان به لحاظ پذیرش ارزش‌های مردسالاری، کلیشه‌های نقش جنسیتی و یادگیری اجتماعی

پذیرش ارزش‌های مردسالاری	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۱۲۴	۳۹,۴	۳۹,۴
متوسط	۱۶۵	۵۲,۴	۹۱,۷
زیاد	۲۶	۸,۳	۱۰۰,۰
جمع کل	۳۱۵		
میانگین (دامنه)		۳۳,۹۳ (۱۴-۶۳)	
پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۱۴۹	۴۷,۳	۴۷,۳
متوسط	۱۴۷	۴۶,۷	۹۴,۰
زیاد	۱۹	۶,۰	۱۰۰,۰
جمع کل	۳۱۵		
میانگین (دامنه)		۳۳,۶۸ (۱۵-۶۷)	
یادگیری اجتماعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۷۳	۲۱,۳	۲۱,۳
متوسط	۲۲۰	۶۹,۱	۹۰,۴
زیاد	۵۰	۱۵,۶	۱۰۰,۰
جمع کل	۳۴۳		
میانگین (دامنه)		۱۵,۹۹ (۷-۲۵)	

جنسیتی (۶ درصد) و ارزش‌های پدرسالاری (۸,۳ درصد) را در حد زیاد پذیرفته بوده‌اند. همچنین، ۱۶,۴ درصد از دختران،

همان گونه که داده‌های جدول مذکور نشان می‌دهد، درصد اندکی از دختران مورد بررسی کلیشه‌های نقش

رفتارهای منفعلانه در مقابله با مزاحمت‌های خیابانی را در حد

زیادی از اعضای خانواده و دوستان خود آموخته‌اند. نکته قابل

توجه، پذیرش اندک کلیشه‌های نقش جنسیتی (۴۷,۳) و

ارزش‌های مردسالاری (۳۹,۳) در بین دختران بررسی شده

آزمون همبستگی پیرسون میان متغیرهای پیش بین و ملاک

جدول ۶- آزمون همبستگی متغیرهای پیش بین با متغیر میزان مورد مزاحمت‌های خیابانی قرار گرفتن

تعداد ^۱	میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن		متغیرهای پیش بین	
	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری (sig)	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری (sig)
۲۹۵	۰,۳۷۳		-۰,۱۹	
۲۷۰	۰,۰۰۲		-۰,۱۷۳**	
۲۷۰	۰,۰۰۳		-۰,۱۶۷**	

^۱ تفاوت در تعداد پاسخگویان به علت داده‌های پاسخ ندادن است که به علت حساسیت موضوع و طفره رفتن پاسخگویان از برخی از سؤالات ایجاد شده است.

** همبستگی در سطح ۰,۰۰۱ معنی دار است.

بنابراین هرچه پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی و ارزش‌های مردسالاری افزایش یابد، میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن کاهش می‌یابد. پس زنان و دخترانی که کلیشه‌های نقش جنسیتی و ارزش‌های مردسالاری بیشتری را پذیرفته‌اند، کمتر مورد مزاحمت خیابانی قرار می‌گیرند.

این جدول نشان‌دهنده این است که متغیر پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی و پس از آن متغیر پذیرش ارزش‌های مردسالاری با متغیر میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن به ترتیب با ضریب همبستگی ۰,۱۷۳ و ۰,۱۶۷ در سطح اطمینان ۹۹ درصد همبستگی دارند که این همبستگی منفی و معنادار است. (هر چند این همبستگی ضعیف است، اما بالا بودن حجم نمونه می‌تواند به ما قابلیت تعمیم دهد).

تحلیل رگرسیون

جدول ۷- خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن

مقدار R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	مقدار F	سطح معنی داری
۰,۲۴۷	۰,۰۶۱	۰,۰۴۹	۵,۰۱	۰,۰۰۲

جدول ۸- ضرایب تأثیر مدل تبیین کننده میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن

متغیرهای پیش بین	ضریب	تأثیر غیر	ضریب	تأثیر	مقدار	سطح معنی داری	همبستگی			آمار هم خطی
							ضریب	تأثیر	مقدار	
	(B)	(Beta)	(T-value)	(sig)	مرتب	تفکیکی	نیمه	تورم	ضریب	
ثابت (constant)	۴,۸۱۲		۶,۰۵۱	۰,۰۰۰						
پذیرش ارزش‌های مرد سالاری	۴,۸۱۲	-۰,۰۲۲	-۰,۲۱۷	۰,۸۲۸	-۰,۱۷۹	-۰,۰۱۴	-۰,۱۴	۰,۴۰۰	۲,۴۹۸	
پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی	-۰,۰۰۵	-۰,۲۱۵	-۲,۱۳۰	۰,۰۳۴	-۰,۲۱۹	-۰,۱۳۸	-۰,۱۳۶	۰,۳۹۷	۲,۵۱۶	
یادگیری اجتماعی	-۰,۰۵۲	۰,۱۱۴	۱,۷۷۷	۰,۰۷۷	۰,۰۸۷	۰,۱۱۶	۰,۱۱۳	۰,۹۸۶	۱,۰۱۴	

بین سه متغیر وارد شده در مدل رگرسیونی، اثر متغیر پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی ($\text{sig}=0/034$) به لحاظ آماری معنادار است. و متغیرهای پذیرش ارزش‌های مرد سالاری ($\text{sig}=0/828$) و یادگیری اجتماعی ($\text{sig}=0/077$)، تأثیر معناداری بر میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن نداشته‌اند.

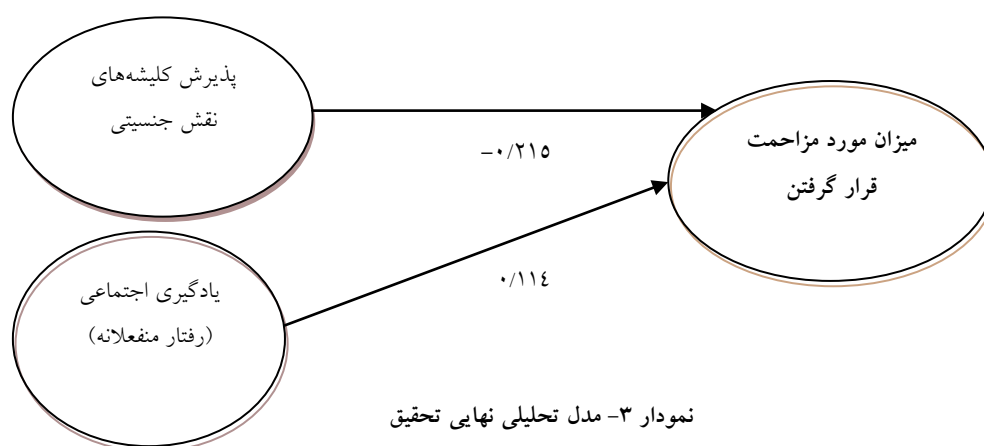
ضریب تأثیر استاندارد (Beta)، گویای جهت و به ویژه شدت تأثیر هر یک از متغیرهای پیش‌بین بر میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن است. بر این اساس، متغیر پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی ($\text{Beta}=-0,215$)، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن، است؛ یعنی افزایش این متغیر موجب افزایش کاهش میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن می‌شود. به عبارت دیگر، هر چه پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی بالاتر است، میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن نیز کمتر می‌شود.

همچنین معادله خط رگرسیونی به شرح زیر است:

(پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی) $-0,215 - 4,812 =$ میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن یعنی وقتی پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی صفر است، میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن $4,812$ است. همچنین به ازای هر واحد افزایش در انحراف معیار در پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی، میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن $0,21$ کاهش می‌یابد. شکل زیر، نمودار تحلیل مسیر مدل تحلیلی تحقیق را نشان می‌دهد.

همان‌طور که داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه (R)، معادل $0,247$ است. این مسأله به ما نشان می‌دهد که متغیرهای سه‌گانه پذیرش ارزش‌های مردسالاری، پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی، و یادگیری اجتماعی به طور همزمان معادل $0,247$ با متغیر میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن ارتباط و همبستگی داشته است. همچنین، ضریب تعیین معادل $0,061$ محاسبه شده است که حاکی از آن است که $6/1$ درصد از متغیر میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن در نمونه مورد بررسی، از طریق سه متغیر پیش‌بین مذکور، قابل توضیح است. رقم ضریب تعیین تعدیل شده معادل $0,049$ است که نشان می‌دهد سه متغیر مذکور $4/9$ درصد از میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن در جامعه آماری را تبیین می‌کنند. و $95/1$ درصد باقیمانده، مربوط به عوامل دیگری است که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. همچنین نسبت F مشاهده شده برای آزمون معناداری ضریب تعیین، معادل $5,01$ محاسبه گردید که در سطح 99 درصد معنی‌دار است ($\text{Sig}=0/002$).

همچنین برای فهم دقیق‌تر شدت و برای تأثیرات متغیرهای پیش‌بین بر میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن از داده‌های جدول ۸ استفاده شده است. این جدول برای تشخیص این‌که کدام متغیر پیش‌بین قدرت بیشتری در تبیین و پیش‌بینی متغیر ملاک میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن دارد، ترسیم شده است. یافته‌های این جدول نشان می‌دهد که از



بصری و کلامی (ایمان و همکاران، ۱۳۹۰)؛ متلک‌های رکیک و حرف‌های زشت (مطابق با تحقیق سبحانی و همکاران، ۱۳۸۸؛ حسینی الست، ۱۳۸۵؛ علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵) مورد تأیید قرار گرفته‌اند. این یافته کم و بیش مطابق با برخی تحقیقات خارجی نیز است.

فاریچایلد (2010) در تحقیق خود، مزاحمت‌هایی چون درآوردن صدای جیغ، سوت‌زدن یا خیره نگاه کردن را بیشتر ارزیابی کرده است. لتون و همکاران (1999) از سر تا پا را برانداز کردن بیش از لمس یا تلاش برای لمس جنسی و خود را به سمت زنان ولو کردن شایع است و لیونگستون و همکاران (2013) مزاحمت‌های کلامی را بیش از لمس فیزیکی و دستمالی کردن بدن، در تحقیقات خویش ارزیابی کرده‌اند.

در تحقیق حاضر نیز بعد مزاحمت‌های فیزیکی و بعد پیشنهاد و تهدیدات جنسی شیوع کمتری داشته‌اند. این بعد از مزاحمت‌ها پیش از این در تحقیقات داخلی نیز گزارش شده است: دشنام‌های جنسی و به طور ناگهانی و به زور قاپیدن و لمس کردن زنان در تحقیق لهسایی زاده و یوسفی نژاد (2012) ایذا و آزار جنسی در تحقیق صادقی فسایی (۱۳۸۵)؛ تنه خوردن، لمس شدن بدن، در تحقیق علیخواه و ربیعی (۱۳۸۵). فرضیه اول دلالت بر این دارد که با افزایش میزان پذیرش ارزش‌های پدرسالارانه توسط دختران، احتمال مورد مزاحمت خیابانی قرارگرفتن آنان نیز افزایش می‌یابد. و فرضیه دوم مدعی است که با افزایش میزان پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی توسط دختران، احتمال مورد مزاحمت خیابانی قرارگرفتن آنان نیز افزایش می‌یابد. فرضیه سوم ادعا دارد که یادگیری اجتماعی احتمال مورد مزاحمت خیابانی قرارگرفتن دختران را افزایش می‌دهد.

با وجود این که ضریب همبستگی ارتباط معنادار میان متغیر پذیرش ارزش‌های مردسالاری و مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن، را نشان می‌دهد اما تحلیل رگرسیونی بر این مسأله دلالت ندارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیونی نشان

همان‌طور که نمودار فوق نشان می‌دهد، متغیرهای پذیرش ارزش‌های مردسالارانه تأثیر معناداری بر متغیر میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن، نداشته است. این در حالی است که متغیر پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی (به مقدار ۰/۲۱۵- اثر کاهنده)، و میزان یادگیری رفتارهای منفعلانه (به مقدار ۰/۱۱۴ اثر افزایشنده) بر میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن داشته‌اند.

بحث و نتیجه

نتایج حاصل از بررسی میزان مزاحمت‌های خیابانی نسبت به زنان، نشان می‌دهد که ۹۷،۴ درصد از پاسخگویان در شش ماه گذشته، حداقل یک بار مزاحمت خیابانی را تجربه کرده‌اند. این مسأله (میزان بالای مزاحمت‌های خیابانی نسبت به زنان) در تحقیقات پیشین داخلی و خارجی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مطابق نتایج تحقیق لتون و همکاران (1999) مزاحمت‌ها برای ۸۸،۷ درصد از زنان نمونه بیش از ۲ بار اتفاق افتاده است. همچنین بر اساس نتایج تحقیق ناهار و همکاران (2013) بیش از ۹۲ درصد دختران بنگلادشی مورد مزاحمت قرار گرفته‌اند. همچنین لهسایی زاده و یوسفی (2012) در تحقیق خود در شهر شیراز و قاضی نژاد و شاکری (۱۳۹۱) در تحقیق خود در شهر تهران، نیز بر میزان بالای این مزاحمت‌ها تأکید دارند.

مزاحمت‌های غیر فیزیکی مثل متلک پراکنی، بوق زدن و چراغ دادن با وسایل نقلیه، چشم‌چرانی کردن، چشمک زدن، سوت زدن و آواز خواندن، با ماشین ویراژ دادن و سد معبر شدن و ... بیشترین میزان را در رابطه با مزاحمت‌ها به خود اختصاص داده است. نتایج تحقیقات پیشین داخلی و خارجی نیز بر شیوع چنین انواعی از مزاحمت‌ها، تأکید دارند. در میان تحقیقات داخلی این یافته مطابق با تحقیق حیدری چروده (۱۳۸۵) است که مزاحمت از طریق وسایل نقلیه، زل زدن و خیره شدن و متلک‌پرانی را شایع‌تر می‌داند. همچنین نگاه هرزه (مطابق با تحقیق اباذری و همکاران، ۱۳۸۷)؛ مزاحمت‌های

گرفته شوند.

همچنین فرضیه سوم مبنی بر تأثیر یادگیری اجتماعی بر احتمال مورد مزاحمت خیابانی قرارگرفتن دختران، مورد تأیید واقع نشد. این فرض بدین خاطر طرح گردید که زنان و دخترانی که از طریق دوستان و خانواده، برخوردهای فعالانه و یا منفعلانه با مزاحمان را فراگرفته‌اند به احتمال زیاد قادر خواهند بود تا نمودهای عینی از چنین یادگیری‌ای را در رفتار آشکار خود به نمایش بگذارند و از این طریق به مزاحمان پیام دهند که آماده برخورد با مزاحمان هستند (و لذا کمتر مورد مزاحمت قرار گیرند) و یا از مزاحمان ترس و اهمه دارند و قادر به انجام واکنش فعالانه نیستند (و لذا مزاحمان را به ارتکاب مزاحمت، ترغیب و تشجیع نمایند). با این حال، چنین فرضیه‌ای تأیید نشد. می‌توان به عنوان یک احتمال اولیه چنین گفت که در رفتار آشکار زنان و دخترانی که مورد مزاحمت قرار می‌گیرند، نشانه‌هایی از ترس از رویارویی با مزاحمان و یا شجاعت برخورد با مزاحمان قابل شناسایی نبوده است؛ چرا که این مزاحمت‌ها، عمدتاً توسط افرادی صورت می‌گیرد که برای هم غریبه هستند. همچنین، ممکن است مردان مزاحم، فارغ از شناختی که از رفتار منفعلانه یا فعالانه قربانیان خویش به دست می‌آورند، تحت تأثیر سایر عوامل فردی و اجتماعی، مرتکب مزاحمت گردند. بدیهی است که در چنین صورتی، رفتارهای منفعلانه آموخته شده از خانواده و دوستان در مواجهه با مزاحمان توسط دختران، نمی‌تواند تأثیری بر افزایش میزان مورد مزاحمت قرار گرفتن آنان داشته است. چنین به نظر می‌رسد که به کارگیری دیدگاه یادگیری اجتماعی، در تبیین چرایی ارتکاب مزاحمت‌های خیابانی (به ویژه توسط پسران و مردان)، کارآیی بیشتری داشته است.

در جمع‌بندی نهایی باید افزود که این تحقیق در صدد تحلیل اجتماعی عوامل مؤثر بر مزاحمت‌های خیابانی نسبت به زنان در میان دانشجویان دختر دانشگاه مازندران است. لذا از سه نظریه فمینیستی، جامعه‌پذیری جنسیتی و یادگیری

می‌دهد که بر خلاف فرضیه حاضر، هرچه پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی افزایش یابد، میزان مورد مزاحمت خیابانی قرار گرفتن کاهش می‌یابد. پس زنان و دخترانی که کلیشه‌های نقش جنسیتی بیشتری را پذیرفته‌اند، کمتر مورد مزاحمت خیابانی قرار می‌گیرند. نتیجه تحقیق حاضر، با نتیجه تحقیق (لهسایی‌زاده و یوسفی‌نژاد، ۱۳۸۹)، مبنی بر این که کسانی که مفروضات نقش‌های جنسیتی خود را نمی‌پذیرند، بیشتر مورد مزاحمت قرار می‌گیرند، همخوانی دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش مذکور، تخطی از مفروضات نقش‌های جنسیتی توسط زنان، به وسیله ایجاد مزاحمت از جانب مردان، مورد تنبیه قرار می‌گیرد. چنین به نظر می‌رسد که در فرهنگ‌های مردسالار که راهبرد حفظ فاصله میان دو جنس و تحکیم برتری مردان بر زنان، دنبال شده و مرزبندی دقیقی بین نقش‌های مردان و زنان به صورت «کلیشه‌های جنسیتی سنتی» در فرهنگ عمومی وجود دارد، زنان و دختران برای جلوگیری از توبیخ، طرد و انزوای اجتماعی و نیز به منظور اجتناب از دریافت تنبیهات احتمالی، خود را مجبور می‌بینند تا رفتارها و به ویژه کنش‌های اجتماعی‌شان را مطابق چنین کلیشه‌هایی شکل داده و تنظیم نمایند. چنین هنجارهای نیرومندی، از زنان انتظار دارد تا از انجام دادن برخی رفتارهایی که به زعم فرهنگ مسلط جامعه، در فضاها عمومی «تحریک‌کننده» هستند، پرهیز نمایند؛ از قبیل: با صدای بلند صحبت نکردن و نخندیدن، نپوشیدن برخی لباس‌ها، پرهیز از هرگونه تماس چشمی ولو ناخود آگاه با افراد غریبه و ... بدیهی است که عدم رعایت چنین هنجارهایی که خود را به شکل کلیشه‌های جنسیتی نیرومند اما تبعیض‌آمیز بر افراد مؤنث جامعه تحمیل می‌نمایند، می‌تواند احتمال بروز هرگونه مزاحمت خیابانی توسط مردان را افزایش دهد. واکنش‌هایی که ساختار اجتماعی و فرهنگی اجازه داده است تا به عنوان یک سازوکار تنبیهی منبعث از وجدان جمعی و به صورت آگاهانه، یا فرایند ذهنی پنهان شده در ضمیر ناخودآگاه جمعی و فردی، از سوی مردان برای همونا نمودن زنان با هنجارهای اجتماعی، به کار

به آن»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دوازدهم، ش ۲، ص ۶۳-۹۳.

پورسعید، م. (۱۳۸۸). «طرح الگوی توسعه منابع انسانی کارآفرین بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی»، *فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه جامع امام حسین (ع)*، سال اول، ش ۳، ص ۸۱-۱۰۰.

ثمودی پیلهور، ف. (۱۳۹۲). *بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی خشونت نمادین پسران علیه دختران با تکیه بر مزاحمت‌های خیابانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

جوکار، ف؛ طاهری، ز. و پورنجف، ح. (۱۳۹۰). «بررسی نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر نسبت به نقش جنسیتی خود و جنس مخالف»، *پژوهش پرستاری*، دوره ۶، ش ۲۳، ص ۶-۱۴.

حسینی‌الست، ع. (۱۳۸۵). *هویت گمشده زن ایرانی در گذر از سنت به مدرنیته*، قم: اندیشه ماندگار.

حیدری چروده، م. (۱۳۸۹). «تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر رفتار قربانیان خشونت و ارتباط آن با رفتار خشونت‌آمیز علیه آنان»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، ش ۲، ص ۵۵-۷۹.

دهقانی، م. (۱۳۸۸). «اخلاق دین بنیاد از نگاه روان‌شناسی دین»، *معارف*، ش ۶۹، ص ۶۲-۷۱.

رجب لاریجانی، م. (۱۳۸۹). *مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

رفیعی، ف. (۱۳۸۲). «کاربرد دو نظریه آموزشی در کلاس درس: نظریه ساخت‌گرا، نظریه یادگیری اجتماعی»، *فصلنامه پرستاری ایران*، سال پانزدهم و شانزدهم، ش ۳۳ و ۳۲، ص ۵۰-۵۶.

ریاحی، م. (۱۳۸۶). «عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش‌های

اجتماعی، جهت دستیابی به عوامل مؤثر بر میزان مزاحمت خیابانی قرار گرفتن، بهره گرفته است. تحقیقات داخلی معدودی در ارتباط با مزاحمت‌های خیابانی در داخل کشور صورت گرفته است. هیچ یک از تحقیقات صورت گرفته در این زمینه از نظریه فمینیستی و نظریه یادگیری اجتماعی استفاده نکرده‌اند، که در این تحقیق به بررسی تأثیر متغیرهای این نظریات نیز پرداخته شد.

نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که متغیرهای پذیرش ارزش‌های مردسالارانه و یادگیری اجتماعی هیچکدام تأثیری بر میزان مزاحمت قرار گرفتن نداشته‌اند و متغیر پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی بر میزان مزاحمت قرار گرفتن تأثیر منفی داشته است.

منابع

آبوت، پ. و والاس، ک. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.

اباذری، ی؛ صادقی‌فسایی، س. و حمیدی، ن. (۱۳۸۷). «احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره»، *پژوهش زنان*، دوره ۶، ص ۷۵-۱۰۳.

اسماعیلی، و. (۱۳۹۱). *بررسی اثرات ساختارهای اجتماعی و فرآیندهای یادگیری بر نگرش به قتل‌های ناموسی (مطالعه موردی شهر مریوان)*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران.

اسماعیلی‌نسب، م. (۱۳۸۶). «آزارهای زنان در محیط کار، نگاه‌هایی که قامت خم می‌کنند»، *سپیده دانایی*، سال اول، ص ۵۱-۴۴.

اعزازی، ش. (۱۳۸۳). «ساختار جامعه و خشونت علیه زنان»، *رفاه اجتماعی*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۵۹-۹۶.

ایمان، م؛ یوسفی، ا. و حسین‌زاده، م. (۱۳۹۰). «زنان، مزاحمت و واکنش: بررسی تجربه دختران دانشجو درباره مزاحمت‌های خیابانی و واکنش

- ششم، ش ۲۲، ص ۱۰۹-۱۳۱.
- قاسمی، و. و امیری اسفراجانی، ز.ا. (۱۳۹۰). «تیین جامعه‌شناختی تأثیر دینداری بر سرمایه اجتماعی درون گروهی (مطالعه موردی شهر اصفهان)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۲، ص ۲۱-۴۶.
- قاضی‌نژاد، م. و شاکری، ف. (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیر مدنی در میان زنان شهر تهران (با تأکید بر هویت جنسی و هویت مدنی)»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال سوم، ش ۲، ص ۱۸۱-۲۰۲.
- کاوه، م. (۱۳۹۱). *آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ج ۲.
- کریمی، ی. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- گرت، ا. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه: کتابون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- لطفی، ص.؛ موسوی، م. و منوچهری میاندوآب، ا. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل حضور زنان در فضاهای عمومی (مطالعه موردی: شهر میاندوآب)»، *سومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی زنان و خانواده*، ص ۲-۲۵.
- لهسایی‌زاده، ع. و یوسفی‌نژاد، ا. (۱۳۸۹). «رابطه بین پذیرش هنجارهای جنسیتی و تجربه مزاحمت‌های خیابانی: مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه شیراز»، *جامعه‌شناسی*، ش ۵، دوره دوم، ص ۱۳۳-۱۴۷.
- ماتلین، م. (۱۳۹۰). *روان‌شناسی زنان*، ترجمه: شهناز محمدی، تهران: روان.
- محمدی، ف. و میرزایی، ر. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه شهرستان روانسر)»، *مطالعات اجتماعی ایران*، سال ششم، ش ۱، ص ۱۰۱-۱۲۹.
- جنسیتی جوانان استان مازندران»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، ص ۱۶۹-۱۹۱.
- سروش، م. و بحرانی، ش. (۱۳۹۲). «رابطه دینداری، نگرش به نقش جنسیتی و نگرش به فرزند، با تعداد واقعی و ایده آل فرزند»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، ش ۲، ص ۱۸۹-۲۰۸.
- شادی‌طلب، ژ. و خانجانی‌نژاد، ل. (۱۳۹۱). «نگرش روستاییان به توانایی‌های زنان در مدیریت اجرایی روستا (مطالعه موردی روستاهای پلتکه و بالاپاکیاده شهرستان لنگرود)»، *پژوهش‌های روستایی*، سال سوم، ش ۴، ص ۱۲۹-۱۵۴.
- شفیلد، ک. (۱۳۸۰). *تروریسم جنسی؛ مهار اجتماعی زنان*، ترجمه: فرخ قره‌داغی، مجموعه مقالات، گردآورنده: نوشین احمد خراسانی، تهران: نشر توسعه، جلد ۱۰، ص ۶۳-۷۵.
- صادقی‌فسایی، س. (۱۳۸۵). «ارائه یک الگوی مفهومی برای مسائل و انحرافات اجتماعی و راه حل‌های کاهش آن در عسلویه»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، ش ۲، ص ۱۱۹-۱۴۶.
- صادقی‌فسایی، س. و لاریجانی، م. (۱۳۹۱). «آزار جنسی در محیط کار، تهدیدی بر امنیت اجتماعی»، *مطالعات اجتماعی ایران*، دوره هفتم، ش ۲، ص ۸۷-۱۱۱.
- غیاثی، پ. و کریمی، ح. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش مردان به مشارکت در تنظیم خانواده»، *زن و مطالعات خانواده*، سال اول، ش ۴، ص ۱۱۵-۱۵۸.
- علی‌اصغر پور، ع.؛ زهرئی، س.؛ یزدانی، ح. و فرجی، ب. (۱۳۸۶). «بررسی چالش‌های مربوط به مدیریت زنان (تحقیقی پیرامون یک سازمان دولتی)»، *مطالعات زنان*، ش ۳، ص ۹۲-۱۲۰.
- علیخواه، ف. و نجیبی ربیعی، م. (۱۳۸۵). «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، *رفاه اجتماعی*، سال

- Hunter Maggie (2012) *Street Harassment in Istanbul* <http://www.Ihollaback.org/2013/10/29>.
- Kissling, E. (1991) Street Harassment: The Language of Sexual Terrorism *Discourse & Society*, 2(4): 451-460.
- Lenton, R. Michael, D. Fox, J. Morra, N. (1999) Sexual Harassment In Public Places: Experiences of Canadian Women , *Crsa/Rcsa*, 36(4): 517-540.
- Lahsaeizadeh, A. Yousefinejad, E. (2012) "Social Aspects of Women s Experiences of Sexual Harassment in Public Place in Iran", *Sexuality & Culture*, 16: 3-17.
- Livingston, B. KC Wagner, S. Diaz, T. & Angela, Lu (2013, *The Experience of Being Targets of Street Harassment in NYC: Preliminary Findings From Qualitative Study of a Sample of 223 Voice Who Hollaback! The worker institute at Cornell Equality at Work*: p1-6.
- Nahar Papreen, v. Reeuwijk, M. & Reis, R. (2013) Contextualizing Sexual Harassment of Adolescent Girls in Bangladesh , *Reproductive Health Matters*, 21(41):78-86.
- Parish, W. Das, A. Laumann, E. (2006) "Sexual Harassment in Urban China", *Arch Sex Behavior*, 35: 411-425.
- Sever, A. (1999) Sexual Harassment: Where We Were, Where We Are and Prospects for the New Millennium Introduction to the Special Issue , *CRSA/RCSA*, 36(4): 469-497.
- مهدنژاد، ح.؛ پرهیز، ف. و خزاعی، ن. (۱۳۹۳). «تحلیل فضایی جرایم مزاحمت خیابانی علیه زنان در شهر زنجان»، *سومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی زنان و خانواده*، ص ۳۵۶-۳۷۸.
- Bertram, C. (2012) Girls Resisting Gender Violence on the Streets and in Schools *Sex Roles*, 66:296° 298.
- Berges, A. (2006) Intersections of Race, Gender, and Crime, Future Direction for Feminist Criminology , *Feminist Criminology*, 1(1):27-47.
- Ethine, G. Krug, L. Dahlberg, J. Mercy, A. Zwi, and Rafael, L. (2002) World Report on Violence and Health, Geneva, World health Organization.
- Fairchild, K. & Rudman, A. (2008) Everyday Harassment and Womens Objectification , *Soc Just Res*, 21:338:357.
- Fairchild, K. (2010) Context Effects on Women s Perceptions of Stranger Harassment , *Sexuality & Culture*, 14:191° 216.
- Fileborn, B. (2013) Conceptual Understandings and Prevalence of Sexual Harassment and Street Harassment *Australian Instiute of Family Studies*, 6: 1-12.
- Fitzgerald, F. Shullman, S. Richalds, M. Swecker J. Gold, Y. Ormerod, M. Weizman, L. (1988) "The Incidence and Dimensions of Sexual Harassment in Academia and the Workplace", *Vocational Behaviour*, 32: 152-175.